

بقلم : آقای موبد فیروز آذر گشسب

## سخنی چند راجع به واژه‌های اوستا و زند و پازند

نظر باینکه اکثر هم وطنان عزیز از مفهوم صحیح اوستا و زند و پازند اطلاعی ندارند و همچنین برخی از دانش پژوهان و خاور شناسان نیز در استعمال واژه‌های مزبور دچار اشتباه شده‌اند بنا براین برای روشن شدن ذهن خوانندگان محترم و آگاهی عموم افراد علاقمند بفرهنگ و ادبیات ایران باستان مبادرت بتوضیح زیر می‌گردد ولی قبل از شروع مطلب لازم میدانم مقدمه شرح مختصری راجع به زبانهای ایرانی بنگارد :

زبانهای ایرانی قسمتی از گروه زبانهای آریائی را تشکیل میدهند که در ایران باستان و برخی از کشورهای هم جوار صحبت میشده است این زبانها بدودسته تقسیم میشود :

دسته اول زبان هائی که در خاور ایران صحبت میشده و در رأس آنها اوستا قرار دارد .

کتاب آسمانی زرتشت به این زبان نوشته شده و مدت چندین قرن اوستا زبان رسمی مردم بلخ و خاور ایران بود (برخی از خاور شناسان به استناد خطوطی که در تورفان (۱) پیدا شده این نظریه را رد کرده و زبان اوستا را متعلق به غرب ایران می‌دانند) .

شاخه هائی که از زبان اوستا پدید آمده‌اند عبارتند از زبانهای پشتو ( زبان افغانی) سغدی - خوارزمی و زابلی .

۱- محلی است کوهستانی واقع در شمال شرقی ترکستان چین .

بنا بقعیده د کترهاوگ (Havg) خاورشناس آلمانی زبان قفقازی نیز تا اندازمای  
با زبان اوستا بستگی دارد .

دسته دوم زبانهای ایرانیان باختری است که در آذربایجان و ماد و فارس صحبت  
میشده . اینها عبارتند از فرس باستان یا فرس هخامنشی - پهلوی و فارسی .

فرس باستان شباهت خیلی نزدیکی با اوستا دارد و در زمان هخامنشیان زبان  
رسمی دربار ایران بوده است .

این زبان بخط میخی و برعکس سایر زبانهای ایرانی که از راست بچپ نوشته  
میشوند از چپ بر راست نوشته میشده در زمان حاضر بجز سنگنوشتههای هخامنشی در  
تخت جمشید و بی ستون و همسدان و کانال سوئز و لوحدها و مسکوکاتی که از  
داریوش و خشایارشا بدست آمده تألیفات و نوشتههای دیگری باین زبان و خط بجا  
نمانده است .

(زبان کردی را بعضی از خاورشناسان شاخه‌ای از زبان فرس باستان شناخته‌اند)  
پهلوی یا فارسی میانه شاخه‌ای از فرس باستان است که در زمان اشکانیان و  
ساسانیان زبان رسمی کشور بوده و با فارسی امروزی چندان تفاوتی ندارد - انکتیل -  
دوپرون خاور شناس فرانسوی زبان پهلوی را یک زبان مرزی شناخته است که وارد  
کشور ایران شده و انتشار پیدا کرده است .

برخی از دانشمندان نیز این زبان را از پهلوی **Pahlevo** و پارتوه **Parttavo**  
گرفته و آنرا زبان پارتی یا اشکانی میدانند .

ابن حوقل جغرافی دان عرب در موقع توضیح راجع بایالت فارس مینویسد :  
در ایران سه زبان بین مردم متداول است یکی زبان فارسی که در تمام نقاط کشور  
با آن صحبت میشود و همه میفهمند دوم زبان پهلوی که زبان ایران باستان میباشد و  
مغها وقایع تاریخی خود را باین زبان نوشته‌اند و بدون ترجمه و تفسیر قابل فهم است

سوم زبان عربی که کلیه اسناد رسمی باین زبان تنظیم میگردد .

پهلوی مانند اوستا و فارسی از راست بچپ نوشته میشود و در نوشتن آن بیشتر واژه‌های آرامی و غیر ایرانی بکار برده شده است در صورتیکه در خواندن بزبان ایرانی و فارسی تلفظ میشده مثلاً در نوشتن «ملکان ملکا» بکار میرفته ولی در خواندن «شاهنشاه تلفظ میشده .

اینهم از خصوصیات این زبان بوده است که واژه‌ها بصورت آرامی یا هزوارش نوشته میشده و بصورت ایرانی عوام فهم تلفظ میگرددیده .

در هر صورت گذشته از شرح و تفسیرهای مفصلی که برمتون اوستا به زبان پهلوی نوشته شده و سنگ نوشته‌هایی از پادشاهان ساسانی در فیروزآباد و حاجی‌آباد و نقش رستم و نقش شاهپور باین زبان باقیمانده است ادبیات نسبتاً مفصلی نیز بهمین زبان در زمان ساسانیان و قرن نهم میلادی و یا سوم هجری نوشته شده است که بطور اختصار عبارتند از کارنامه اردشیر بابکان - هاتیکان هزار داستان - داتستان دینیک - ارتای ویراف نامک - و جرکت دینی - شایست لاشایست - دین کرد و ...

زبان پهلوی تا قرن ۱۴ میلادی دوام کرد و سکه‌ها و نسخه‌های خطی که در این زبان پیدا شده این نظریه را تأیید میکند .

شاخه‌هایی که از زبان پهلوی منشعب گشته‌اند عبارتند از فارسی کنونی - گیلکی - لری و لهجه‌های دیگر ایران. پس از ذکرها این مقدمه برمیگردیم به اصل موضوع یعنی شرح واژه‌های سه گانه اوستا و زند و پازند .

اوستا را به پهلوی «اویستاک» **Avistak** گویند و در فارسی بشکل‌های مختلف نوشته شده‌است مانند :

اوستا - وستا - استا - ابستا - اوستا از دو جزء او + ستا **avo+sta** تشکیل شده و بمعنی «آنچه مقرر و معین شده» یا «آنچه محرز و مسلم گشته» و یا بعبارت

ساده تر «متن اصلی کتاب» میباشد .

با وجود اینکه معنی پیشنهادی فوق توسط پروفیسور مولر بسیار مناسب و بجا است معینا برخی دیگر از خاور شناسان و از جمله دکتر هاوگ معنی مذکور را جامع و کافی ندانسته و واژه اوستا را از دو جزء  $a + vista$  گرفته و چنین ترجمه کرده است :

« آنچه دانسته شده و یا اعلام و الهام گردیده - این دانشمند مفهوم واژه اوستا را با ودا (Veda) کتاب مذهبی هندوها یکی میداند .

[در اینجا لازم است یادآوری نماید که جزء اول واژه اوستا یعنی (ا) همیشه در اوستا معنی نفی نمیدهد بلکه بعضی اوقات منظور تأکید را میرساند و در اینجا نیز بهمان معنی تأکید باید گرفته شود .

در فارسی از این قبیل الف تأکید زیاد داریم مانند فروزان - افروزان - ویژه و اویره - فکندن و افکندن - فراز و افراز - شکم و اشکم - فشاندن و افشانندن و ... ]  
اوستا به کلیه نوشته ها و کتبی اطلاق میشود که دارای سخنان الهام شده از جانب پروردگار باشد .

اوستا نامه مقدس و آسمانی زرتشت شامل بیست و یک نساک یا کتاب بوده که بنا به عقیده هرمیپوس مورخ یونانی در دو ملیون شعر نوشته شده است .

مسعودی و طبری مینویسند اوستا بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته بوده است که پس از سوخته شدن کاخ داریوش بدست اسکندر و حمله تازیان بایران قسمت اعظم آن از بین رفته و از اوستای به آن عظمت متأسفانه امروز تنها یک چهارم آن برای ما باقی مانده است .

ناتمام